

روش بدون استاپ مزایا و معایب

مقدمه

روش بدون استاپ چیست؟

معایب روش بدون استاپ

این روش برای چه حسابهایی کاربرد بهتری دارد؟

ایا این روش برای من مفید است؟

با سلام و عرض ادب و احترام خدمت دوستان و همکاران گرامی

بدرخواست بعضی از شما عزیزان توضیحاتی در مورد روش بدون استاپ در معاملات بازارهای مالی ارائه میدم تا برای دوستانیکه علاقمند به دانستن این روش و جزییاتش هستند بتوانند تفاوتشو با روش استاپدار تشخیص بدن.

روش بدون استاپ چیست؟

حتما همه شما عزیزانی که با بازارهای مالی آشنایی دارید شنیده اید که گفته میشود یکی از اشتباهات معامله گری قرار ندادن استاپ در معاملات است. این یک تصور عامیانه است و از جهتی درست است و تا حدی نیز نادرست. خطر یک پوزیشن به میزان ریسک آن بستگی دارد نه به داشتن یا نداشتن استاپ.

بعنوان مثال یک سوال مطرح میکنم تا شما پاسخ آنرا بدهید و این مسئله را با هم بررسی کنیم. فرض کنید شما دو حساب 5000 دلاری دارید و یک پوزیشن با استاپ بیست پیپ در یکی میگیرید و یک پوزیشن بدون استاپ در دیگری. از نظر شما کدامیک از حسابها در خطر بیشتری قرار میگیرد؟ اگر به گفته ی همیشگی در این بازار مراجعه کنیم حساب اول چون استاپدار است پس کار درستی بر روی آن انجام شده. حالا سوال را به شکل دیگر بیان میکنم. اگر پوزیشنی که در حساب استاپدار ما باز شده با حجم 40 لات گرفته شده باشد چطور؟ حساب قبل از رسیدن به استاپ کال میشود. حال اگر پوزیشنی که در حساب بدون استاپ باشد 0.01 لات باشد چطور؟ این پوزیشن میتواند ماهها یا سالها باز بماند بدون اینکه ضرر زیادی به حساب تحمیل کند.

مبنای پوزیشن های بدون استاپ کاهش و تقسیم ریسک و استفاده از معدلسازی برای جلوگیری از ضرر زدن به حسابها توسط نوسانهای بازار است. بانکها و موسسات مالی که سرمایه های بزرگ را مدیریت میکنند نمیتوانند مقداری زیادی از سرمایه را بخاطر چند پیپ به خطر بیندازند چون مثلا یک استاپ 40 پیپی که جزو نوسانات کم بازار حساب میشود ممکن است در مقیاس بزرگ ضرر خیلی زیادی به یک حساب میلیون دلاری وارد کنند که اگر این مورد بارها تکرار شود باعث از دست رفتن مقادیر قابل توجهی از نقدینگی حساب میشود.

پس بانکها و موسسات هج فاند چگونه کار میکنند؟

آنها با تحلیلهای حرفه ای خود تارگت مشخصی برای کالا یا جفت ارز خود در نظر میگیرند و سرمایه خود را به تدریج وارد بازار میکنند به شکلی که نوسانات بازار نتواند ضربه ای به حسابهای آنها وارد کنند. با بالا پایین شدن قیمت حساب در سود و

ضرر می‌رود ولی چون حجم نسبت به موجودی مقدار کمی است نوسانات مشکلی برای حساب ایجاد نمی‌کند. این نوع روش گاهی بسیار زمانبر است و پوزیشن یا پوزیشن‌ها ممکن است ماه‌ها باز بمانند تا به تارگت خود برسند که معمولاً چون تارگت‌ها هم بزرگ هستند در نهایت سود منطقی در انتظار چنین سرمایه‌گذاری‌ها بزرگی هست.

حال چطور این روش انجام می‌شود؟

برای پوزیشن‌گیری به روش بدون استاپ‌مهارت، تجربه و کنترل احساسات زیادی لازم است چرا که در این روش تکلیف پوزیشن در صورت اشتباه تحلیلی مثل روش استاپ‌دار در یک بازه زمانی کوتاه مشخص نمی‌شود. ممکن است پوزیشن به تارگت برسد و یا ممکن است بعد از باز کردن پوزیشن جهت بازار عوض شده و مدت‌ها این پوزیشن باز بماند. برای همین در این روش از محاسباتی در علم ریاضی استفاده می‌شود به این شکل که بجای وارد کردن حجم بالا در یک پوزیشن و قرار دادن استاپ در نقطه‌ی خاص این حجم به تعداد زیادی حجم کوچک تقسیم می‌شود و در بازه‌های زمانی مختلف و فواصل مشخص در صورت سیگنال وارد بازار می‌شوند به شکلی که در نهایت ریسک کلی تمام پوزیشن‌های باز تقریباً معادل ریسک چند پوزیشن با استاپ شود.

برای روشنتر شدن موضوع مثالی می‌زنم تا قضیه آشکارتر بشه.

فرض کنید یک حساب 100 هزار دلاری داریم و می‌خوایم از روش بدون استاپ مدیریتش کنیم.

در حالت معمولی روش استاپ‌دار اگر 3 درصد ریسک در هر پوزیشن وارد می‌کردیم میشد 3000 دلار ضرر و برای یک پوزیشن استاپ‌دار با استاپ 50 پیپ حجممون با ریسک 3 درصد میشد 6 لات. حالا اگر پوزیشن ما استاپ می‌خورد 3 درصد ریسک کرده بودیم و 3000 دلار ضرر می‌کردیم.

ولی در روش بدون استاپ وقتی استاپی وجود نداره انتهای ضرر ما بازه و میتونه بدون استاپ بودن پوزیشن ما باعث ضرر های کلان بشه. برای اجتناب از این مورد حجم پوزیشنمونو انقدر کم می‌کنیم تا نه تنها حساب بتونه ریسک این پوزیشنو تحمل کنه بلکه بتونه امکان باز کردن پوزیشنهای دیگه هم به ما بده. مثلاً اگر بجای حجم 6 لات در روش استاپ‌دار حجم 0.5 لات باز کنیم پوزیشن ما باید 12 برابر پوزیشن استاپ‌دار قبلی به ضرر بره تا ضرر مشابه 3000 دلاری به حساب تحمیل شه یعنی 600 پیپ. حتی میتونیم دو پوزیشن با فاصله باز کنیم که باز مجموع ضرر اونها همون 600 پیپ بشه یعنی اولیشو باز می‌کنیم و اگر 200 پیپ رفت توی ضرر یک پوزیشن دیگه در همون جهت بگیریم و اگر اون هم 200 پیپ رفت تو ضرر با مجموع پوزیشن اولی میشه 600 پیپ که باز همون 3000 دلار ضرر شنبیه پوزیشن استاپ‌دار ما با ریسک 3 درصد خواهد بود. به همین شکل میتونیم با بازی حجم تعداد پوزیشن‌ها رو بیشتر کنیم در صورتیکه ریسک حساب ما ثابت مونه. مثلاً فرض کنید 10 تا پوزیشن داریم به فاصله‌ی 100 پیپ از هم و همه هم توی ضرر. مجموع پیپ تمام پوزیشن‌های تو ضرر 4500 پیپ میشه و اگر حجم هر پوزیشن 0.06 لات باشه باز هم ضرر ما کمتر از 3000 دلار خواهد بود.

اینجا میبینید که در این روش بر عکس روش استاپ‌دار که اهرم بالای جان حساب هست و منجر به ضررهای کلان میشه استفاده از اهرم در روش بدون استاپ با ریسک کم باعث میشه که نوسانات بازار فیلتر بشه و حساب قابلیت تحمل این نوساناتو داشته باشه.

محاسباتی یا جمع جبری پوزیشن‌ها مبحثی هست که در ریاضی به کمک اقتصاد میاد تا میزان ریسک در بازارهای مالی رو برآورد کنه. مثلاً در یک نوسان 200 پیپی اگر شما بخواید به روش معمول پوزیشن‌گیری کنید ممکنه بارها استاپ بخورید و در نهایت هم قیمت به تحلیل شما پاسخ بده ولی شما چون بارها از بازار توسط استاپ رانده شدید از اون حرکت جا بمونید. یکی از راههایی که موسسات مالی استفاده می‌کنند وارد کردن مقدار کمی حجم در اون منطقه هست و اگر قیمت برعکس عمل کرد 200 پیپ پایینتر معادل همون حجم بالا پوزیشن دیگری هم جهت باز میشه و اگر قیمت 100 پیپ اصلاحی بده مجموع جبری هر دو

پوزیشن صفر خواهد بود که با استفاده از معدلسازی ریسک بازارهای مالی رو تا حد قابل توجهی کاهش میدن. از همین معدلسازی استفاده میشه تا سودها تبدیل به ضرر بشن. بعنوان مثال پوزیشن دوم بعد از رفتن تو سود مثلا 100 پیپی بسته میشه و اگر قیمت اومد تو ضرر بیشتر دوباره پوزیشن دوم باز میشه و باز با سود بسته میشه و اینکار انقدر تکرار میشه تا پوزیشن اول هم با سود بسته شه و در نهایت پوزیشنهایی که میتونستن به حساب ضرر بززن با صبر و معدلسازی و انجام محاسبات ریاضی تبدیل به سود میشن. گاهی تعداد این پوزیشنها به چند تا هم میرسه و تمام ریسک ها قبلا توسط تریدر محاسبه شده و با یک پلن استراتژی مشخص تمام حالتی احتمالی قیمتو محاسبه میکنه تا در نهایت پوزیشنها به بازدهی برسن.

معایب روش بدون استاپ

در روش بدون استاپ نیاز به نقاط ورود خیلی دقیق مانند روش استاپدار نیست برای همین ممکن است در جاهایی وارد بازار شوید که قیمت در خلاف جهت پوزیشن شما حرکت کند. این حالت موجب وارد کردن فشار عصبی به کسانی است که تجربه و صبر کافی در این روش را ندارند میشه. مخصوصا بدلیل باز ماندن پوزیشنها به مدت طولانی ممکن است احساسات تریدر همراه با پوزیشنها درگیر بشود. همانطور هم که عرض کردم در این روش نیاز به صبر زیادی است تا بازار نوسانات و ساختن امواج خود را تکمیل کند و به تارگتی که در نهایت مشخص کردید برسد.

برای دوستانیکه صبر زیادی ندارند این روش نه تنها جذاب نیست بلکه فرسایشی خواهد بود. علت اصلی هم به نوع حساب و تجربه و خصوصیات روانشناختی بر میگردد. چون این روش معمولا برای حسابهای بزرگ بکار میرود تا جلوی ریسکهای احتمالی گرفته شود و در نهایت هم سود حاصله مثلا در سال 60 تا درصد خواهد بود که برای حسابهای بزرگ به صرفه است ولی برای مثلا یک حساب 300 دلاری مبلغ ناچیزی خواهد بود بنابراین تریدرهای با حساب کوچک جذابیتی در این روش نمیبینند ولی برای حسابهای بزرگ چاره ای بجز کنترل ریسک نیست و نمیتوان مثلا یک حساب یک میلیون دلاری را با مثلا 5 پوزیشن استاپدار در روز در ریسک قرار داد و 15 درصد سرمایه در صورت استاپ خوردن از دست برود که جبران آن کار سختی خواهد بود.

جالب اینجاست که امکان سویچ کردن بین این دو روش در حین انجام روش بدون استاپ وجود ندارد ولی خیلی از دوستان مبتدی عملا چنین کاری انجام میدهند. در خیلی از استیتمنتهایی که دوستان تازه کار ارسال میکنند دیده ام که پوزیشن با حجم بالا در یک حساب کوچک وارد بازار میشود ولی استاپ قرار داده نمیشود و تی پی ها هم کوچک است که این میزان ریسک بدون استاپ نتیجه ای جز کال شدن یا ضرر سنگین ندارد. بنابراین دوستانیکه از روش استاپدار استفاده میکنند بهیچ عنوان نباید میزان ریسک هر پوزیشن را نادیده بگیرند و استاپ قرار ندهند. برای همین باید درک درستی از حجم داشته باشند که متاسفانه در اکثر مبتدیان دیده نمیشه. نداشتن درک درست از میزان حجم و ریسک اشتباهی هست که اکثر تریدرهای مبتدی انجام میدهند و ضررهای جبران ناپذیری به حساب خود وارد میکنند.

این روش برای چه حسابهایی کاربرد دارد؟

همانطور که عرض کردم این روش بیشتر ببرد حسابهای بزرگ میخورد که در آنها ریسک باید تقسیم شود تا جلوی ضررهای کلان گرفته شود. مثلا یک حساب 100 هزار دلاری اگر در سال 30 درصد سوددهی داشته باشد مبلغ قابل توجهی خواهد شد ولی چنین سودی در یک حساب 1000 دلاری برای تریدرها مبلغ کمی محسوب میشود و انتظار سودآوری بیشتری از حساب خود دارند. در حسابهای بدون استاپ تعداد پوزیشنها محدود خواهد بود شاید در هفته چند تا که این برای تریدرهای با حساب کوچک که گاهی در روز تعداد زیادی پوزیشن میگیرند خسته کننده باشد. همینطور حسابهای کوچک و تریدرهایی که از روش با استاپ و تعداد پوزیشن زیاد استفاده میکنند بتوانند با حسابهای کوچک خود سودهای بهتری از بازار بگیرند که این خود جذابیت روش استاپدار را بیشتر میکند و توصیه های انجام شده هم بهمین دلیل عمومیت دارد چون بیش از 90 درصد تریدرها در بازار با حسابهای کوچک کار میکنن و اکثر قوانین اعلام شده در باره ی این نوع حسابها به صورت عمومی به اشتراک گذاشته شده.

آیا این روش برای من مفید است و میتوانم آنرا بکار بگیرم؟

برای جواب به این سوال باید به چهار نکته توجه کرد

اول تجربه

دوم مقدار موجودی حساب

و سوم روانشناسی فردی

چهارم استراتژی

تجربه :

برای انجام دادن روش بدون استاپ باید تجربه زیادی داشته باشید وگرنه دیدن تعدادی پوزیشن در ضرر احساس ناخوشایندی به شما خواهد داد حتی اگر با ریسک کم هم باشند. یکی از مباحث روانشناسی این است که افراد تمایل دارند احساس ناخوشایندی را از خود دور کنند و در تنگنا قرار گرفتن موجب انجام واکنش برای فرار از آن شرایط خواهد شد. بنابراین این روش توسط افرادی که تجربه ندارند توصیه نمیشود و دیده شده خیلی اوقات تریدرها قبل از به نتیجه رسیدن پوزیشنها برای فرار از احساسات ناخوشایند ضرر، پوزیشنهای خود را تسویه کرده و ضرر زیادی به حساب وارد کرده اند. بنابراین به دوستان توصیه میشود از این روش برای حساب خود تا حداقل یکسال تجربه روی حساب دمو و سپس حساب ریل کوچک استفاده نکنند

موجودی حساب:

همانطور که عرض کردم میزان موجودی حساب نقش مهمی در میزان ریسک در پوزیشنها دارد و هر چه حساب سنگینتر میشود باید میزان ریسک وارد شده در هر پوزیشن کاهش یابد. با یک حساب 300 دلاری شاید بتوان ریسکهای زیادی کرد چون در نهایت چیزی که از دست میرود 300 دلار است و ضرر جبران ناپذیری به شخص تریدر وارد نمیکند ولی همان نسبت حجم را نمیتوان در حسابهای بزرگ بکار برد چون ضررهای وارد شده توسط ریسکهای زیاد جبران ناپذیر خواهد بود. مثلاً یک پوزیشن 0.1 لات در یک حساب 300 دلاری که ریسک بالایی محسوب میشود در یک حساب 100 هزار دلاری معادل 33 لات خواهد بود که براحتی میتواند کل مبلغ را از بین ببرد. پس اگر حساب شما کوچک است روش استاپدار به شما توصیه میشود و اگر حساب بزرگ است از هر دو روش با رعایت ریسک میتوانید استفاده کنید ولی آن هم در صورتیکه موارد اعلام شده برای شما در نظر گرفته شود.

روانشناسی فردی:

بجز موارد فوق روش بدون استاپ بیشتر ببرد کسانی میخورد که صبور تر باشند. این مورد برای تریدرهای با صبر کمتر روش جذابی نیست. همین طور این روش برای کسانی که در صورت رفتن پوزیشن در ضرر تعادل خود را از دست میدهند و عصبی میشوند توصیه نمیشود چون ممکن است ماهها چند پوزیشن در ضرر بماند تا در نهایت به باروری برسد و در صورت صبر هم این اتفاق بیفتد ولی در نهایت بیشتر از آنچه آن سود به چشم بیاید احساسات ناخوشایند پوزیشنهای در ضرر در طول این مدت آزاردهنده خواهد بود. بنابراین این روش برای کسانی توصیه میشود که بتوانند احساساتی فارغ از وابستگی به

پوزیشنهای باز داشته باشند و نه با ضرر ناراحت شوند و نه با سود خوشحال و برای همین هم هست تجربه و روانشناسی بازار و کنترل میزان ریسک نقش اصلی در این بازارها ایفا میکنند تا صرفاً تکنیکال و دانسته ها.

استراتژی

برای استفاده از روش بدون استاپ نیاز به بررسی دقیق میزان ریسک و محاسبات ریاضی آن و پلن معاملاتی بی نقص است تا در هر شرایط سختی از بازار حساب را در برابر نوسانات مصون کند. اینکه چه حجمی بر اساس موجودی باید در هر پوزیشن ریسک کرد و چگونه ریسکها مدیریت شوند و آستانه تحمل خود تریدر چقدر هست و حاشیه امنیتی حساب چه میزان است. میزان کل نوسان جفت ارز چه اندازه است و چطور باید ریسک، بین این امواج و با چه حجمی تقسیم شوند که خود یک مطالعه دقیق تکنیکال از رفتار کالای مورد نظر برای پوزیشن گیری نیاز دارد. بنابراین باید تمام محاسبات قبل از شروع به انجام این روش در نظر گرفته شوند و بصورت یک پلن معاملاتی نوشته شوند. مثلاً برای یک حساب، یک تریدر تا چه میزانی نهایتاً میتواند ریسک را بپذیرد و معمولاً 70 درصد آن در نظر گرفته شود چون ممکن است مجموع پوزیشنهای در ضرر، درصد زیادی از مارجین حساب را درگیر کند. مثلاً برای یک حساب 100 هزار دلاری اگر یک تریدر حاضر است 50 درصد حساب را در معرض ریسک قرار دهد و توانایی دیدن 50 هزار دلار ضرر در حساب خود را دارد باید به شکلی برنامه ریزی کند تا در صورت رفتن تمام پوزیشنها و بدترین شرایط بازار به ضرر نهایتاً 35 درصد حساب به ضرر برود و حساب توان صبر تا رسیدن پوزیشنها به سوددهی را داشته باشد. وگرنه دیدن پوزیشنهای در ضرر خود باعث ترس و نگرانی و بستن همه ی پوزیشنها در ضرر خواهد شد که این مورد نیز یکی دیگر از معایب این روش است که به خصوصیات اخلاقی و روانشناختی تریدر بستگی دارد. اگر تریدر هیچ برنامه ی از قبل تعیین شده ای در مورد میزان ریسک و استراتژی نداشته باشد این روش برای تریدر محتوم به شکست خواهد بود حتی اگر مدتی با این روش حساب رشد خوبی پیدا کند.

کلام آخر:

در انتها یک نکته ی مهم که نقش تعیین کننده در موفقیت در بازار های مالی را دارد بیان میکنم و امیدوارم دوستان در کنار یادگرفتن و افزایش دانش تکنیکال و فاندامنتال خود تمرکز بیشتری بر روی این مسئله مهم داشته باشند چرا که آینده ی مالی همه ی ما چه در بازارهای مالی و چه در زندگی به درک و شناخت صحیح از آن بستگی دارد. و آن نکته چیزی نیست بجز شناخت ریسک و استفاده صحیح از آن که مثل یک طناب در عرصه زندگی است که همه ما در طول زندگی باید از روی آن بگذریم. اگر فردی باشیم که حاضر به انجام هیچ ریسکی نباشیم چیزی زیادی در زندگی بدست نمیآوریم و از تجربه کردن غافل میمانیم. تجربه کردنی که بخاطر آن اینجاییم تا یاد بگیریم و یاد بدهیم و اثری از خود بجا بگذاریم و برویم. از سوی دیگر اگر میزان ریسک پذیری کنترل نشده ای داشته باشیم که از توان ما خارج باشد از آنسوی این طناب خواهیم افتاد و ضررهای حاصله جبران ناپذیر خواهد بود. کل جریان زندگی و بازارهای مالی محاسبه ی میزان ریسک و خطر یک رویداد خواهد بود که ما میخواهیم در آن قدم بگذاریم. تحصیلات، ازدواج، شغل، رفتارهای اجتماعی، دوستی ها و ... هم از این قاعده مستثنی نیستند. تنها کسانی موفق خواهند بود که تعادل در عرصه های مختلف را از قبل بررسی، تجربه و رعایت کنند و برای هر حرکتی برنامه ی مشخصی قبل از شروع آن در زندگی تدوین میکنند. تنها در این صورت میتوانند به شکل منطقی تجربه های زندگی را ارزیابی کرده و از آنها لذت ببرند.

برکت و سلامتی ارزانی همه شما همکاران گرامی

رضا گلشاهیان.